

سر دبیر: سیوان کریمی

نوامبر ۲۰۱۹ - آبان ۹۸

دوره نهم شماره سوم

بیانیه کنگره نهم حزب حکمتیست

۳

درباره اوضاع جهان

۸

قطعه نامه در باره اوضاع سیاسی ایران

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱

رهایی جامعه ایران در گرو عروج

آلترناتیو کارگری است!

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست،

سرنگونی انقلابی حکومت آپارتاید جنسی،

۱۵

کام اول تحقق برابری زن و مرد!

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تقابل با آلترناتیوهای راست

۱۷

و بورژوائی!

بیانیه

نظام سرمایه داری محیط زیست انسانها

۱۸

را در آستانه نابودی قرار داده است!

قرار

در محکومیت بندوبست احزاب و جریانات

۲۰

ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

کنگره نهم حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست در ماه

نوامبر برگزار میشود!

سری اول اسناد پیشنهادی به کنگره نهم حزب

کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تمها و موضوعات ۷ سند منتشر شده در این شماره نشریه کنگره از طرف دفتر سیاسی حزب پیشنهاد شد. بر این اساس تهیه هر سند را دو رفیق به عهده گرفت و سپس در دفتر سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. اکنون به منظور بررسی و تصمیم گیری در مورد آنها به کنگره حزب پیشنهاد میشوند. همین جا از نمایندگان کنگره در داخل و خارج کشور میخواهیم، اسناد پیشنهادی مورد نظرشان را برای طرح و بررسی و تصویب در کنگره، تا شنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹ (یک هفته قبل از کنگره) ارسال کنند.

موفق باشید

رحمان حسین زاده

نوامبر ۲۰۱۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری – حکمتیست در ماه

نوامبر برگزار میشود!

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست در تاریخ ۲۳ و ۲۴ نوامبر ۲۰۱۹ در اسکاندیناوی به طور علنی برگزار میشود.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست، احزاب، تشکله‌ها، نهادهای سیاسی و اجتماعی، شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی، نیروهای چپ و کمونیست و نهادها و فعالین سوسیالیست و کارگری را، رسماً به کنگره دعوت میکند. ما از همه مبارزین سیاسی و از همه دوستداران حزب دعوت میکنیم که در کنگره نهم حزب حکمتیست فعالانه شرکت کنند. هیئت برگزار کننده کنگره مهمانان و شرکت کنندگان را از فرودگاهها و ایستگاههای مرکزی قطار شهرهای استکهلم و گوتنبرگ و اسلو به محل کنگره انتقال میدهد.

در اطلاعیه‌های بعدی اطلاعات لازم در مورد نحوه ثبت نام و هزینه شرکت در کنگره، و جنبه‌های فنی و عملی ضروری در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاعات میتوانید با آدرس ایمیل دفتر مرکزی حزب حکمتیست تماس بگیرید.

daftaremarkzy@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

بیستم سپتامبر ۲۰۱۹

مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار مشابه!

بیانیه کنگره نهم حزب حکمتیست درباره اوضاع جهان

رهائی انسان

در گرو انقلاب کارگری

و رهائی سوسیالیستی است

مارکس گفته است: "از آن دم که سرمایه زاده میشود، از هر منفذ پیکرش، از فرق سر تا نوک پا، چرک و خون جاری است". اکنون باید اضافه کنیم: سرمایه و استثمار هزار بار خونبارتر آن، بیش از هر زمان، با ارزشهای والا و توقعات بالای انسان امروز ناسازگار است. این ناسازگاری زشت و زمخت را استثمارشدگان و رنجدیدگان روی زمین روز و شب با پوست و گوشت و استخوان لمس و درک میکنند. میلیاردها کارگر آفریننده مواهب جامعه، با وضعیت خارج از تحمل، معیشت چند پله زیر فقر، ناامنی شغلی، افت ارزش واقعی مزد، بیکاری انبوه و محرومیت از آموزش و بهداشت دست به گریبانند. اینها همگی حاصل نظام سرمایه و شکاف طبقاتی بیسابقه آن است. کارگران ناگزیرند با این نظام بجنگند.

خیزشهای مکرر مردم در چهارگوشه جهان، نقطه جوش مقابله هرروزه کارگران و محرومان اعماق جامعه با مشقات و محرومیتها و عقب ماندگیهایی است که سودجویی سیری ناپذیر سرمایه تولید و بازتولید میکند. این منطق مبارزه طبقاتی در جوامع سرمایه داری معاصر است. مبارزه ای بیوقفه که آشکار و پنهان همه جا جریان دارد و هر جا و هر آن امکان فوران دارد.

مبارزه طبقاتی جهان امروز بر سر دو سناریوی سرنوشت ساز است: یک سناریو تراژدی نابودی انسان و طبیعت در چنگ سرمایه و دیگری حماسه برچیدن سرمایه و برپائی جامعه آزاد و برابر و مرفه به دست پرولتاریای پرچمدار رهائی انسان است. بورژوازی با تصاحب وسائل کار و تولید در جامعه و تحمیل دیکتاتوری طبقاتی خود بر جامعه، کل انباشت حاصل از استثمار جهانی طبقه کارگر را در ازاء مزد ناچیز تصاحب میکند. در قطب مقابل، صف میلیاردری مزدبگیرانی که مزدشان کفاف معیشت شایسته انسان نیست، محرومانی که انباشت انزجار درونشان به نقطه انفجار میرسد، با ندای "ذلت نمی پذیریم!" بپا میخیزند تا بساط فلاکت و بیکاری و فساد فراگیر را واژگون کنند. کشمکش محوری نظام سرمایه داری همینجاست. انبوه ستمها و کشمکشهای دیگر این نظام بر همین محور میگردند.

جهان در انتهای دهه دوم قرن ۲۱

اتاق فرمانهای سرمایه از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) تا فورومهای اقتصاد جهان درجدیدترین گزارشهایشان اعلام کرده اند که اقتصاد گلوبال عقب رفته است و اقتصادهای بزرگ و متوسط کشوری دچار کسادند. بخشهای افراطی تر بورژوازی سکان چندین اقتصاد کلان و میانه را به دست گرفته اند و با ایجاد موانع پروتکشنیستی، حرکت ارابه تجارت جهان به دور زمین را کند کرده اند. رشد بیسابقه جدال قدرتهای امپریالیستی و به تبع آن جدال قدرتهای منطقه ای در کانونهای متعدد بحران، معلول وخامت اقتصاد جهان و به سهم خود علت وخیمتر شدن آن است. بورژوازی هزینه بحرانها و افت اقتصاد خود را همیشه بر معیشت کارگران و محرومان جامعه سرشکن میکند و حقوق و دستاوردهایشان را میزند.

جدال تجاری بزرگ اقتصادهای آمریکا و چین، اتحاد اقتصادی روسیه و چین در تقابل با سلطه اقتصاد آمریکا و نهادهای جهانی آن، رشد گرایش به قطب روسیه در بخشهای راست افراطی چند کشور اروپایی، نقطه مشترک ترامپ و پوتین در ضدیت با اتحادیه اروپا بویژه

بیانیه کنگره نهم حزب حکمتیست درباره اوضاع جهان

دشمنی با دستاوردهای اجتماعی دهها سال مبارزه کارگران اروپا، معضل فرساینده برگزیت برای بریتانیا و کل اروپا با تاثیرات مهم بر صفتبندی اقتصادی و سیاسی جهان، عروج اقتصادهای ژاپن و برزیل و ترکیه در رقابتهای گلوبال مهمترین وجوه شکاف و رقابت فزاینده و فرساینده در جهان سرمایه است.

علاوه بر اقتصاد، در میدان سیاست جهان هم جدال قدرت بخشهای مختلف بورژوازی شدیداً بالا گرفته است. افسار بردن ناسیونالیسم، فاشیسم، جنگ افروزی و انزواطلبی اقتصادی، فیصله نیافتن کشمکش قطبهای سرمایه داری بر سر حوزه نفوذ و بازارهای کار و کالا، سبب شده است که اکثر کانونهای سابق بحران زده تر شوند. در فضای مه آلود بی نظمی جهانی پس از دوران دو قطبی غرب و شرق، جدال قدرتهای بزرگ سرمایه، بویژه جان تازه گرفتن جدال آمریکا و روسیه بر سر موقعیت خود در جهان، بشریت را به دره هایی از مصائب و جنگهای وحشتناک و بی پایان کشانده است. با ادعان ترامپ به اینکه "آمریکا دیگر نمیخواهد پلیس بین المللی باشد!" و در آن سو تلاش پوتین در راس ناسیونالیسم عظمت طلب روسیه برای تجدید قدرت شوروی سابق، دامنه این جدال بیشتر و میزان تحمیل مصیبتهای آن بر مردم جهان گسترده تر شده است. دخالت دولت روسیه در سیاست جهان در تقابل با دولت آمریکا گسترش یافته و در خاورمیانه (با دخالت نظامی در سوریه)، در شمال آفریقا، آمریکای لاتین، کشورهای جدا شده از شوروی سابق حضور روز افزون داشته است.

در تحولات سالهای اخیر جهان، بن بست بسترهای اصلی سیاست بورژوازی کنسرواتیو و سوسیال دمکرات، همچنین بی پاسخی ترندهای چپ تری نظیر سیریزا در یونان، برنی ساندرز در آمریکا، جرمی کوربین در بریتانیا و ناتوانی این ترندها در حل بحران بی اعتباری عمومی سیاسی دمکراسی نیابتی، به مراتب آشکارتر شده است. بن بست این بسترهای اصلی زمینه ساز باز شدن راه برای تکیه بیش از پیش شهروندان جهان بر اعتراض توده ای، اعتصاب، دست بردن به سنتهای انقلابی فرابارلمانی و روی آوردن به سنت شورائی و عمل مستقیم کارگری توده ای است. این روند امیدبخش در اعتراضات توده ای در ایران، فرانسه، الجزایر، سودان، عراق، لبنان و شیلی قابل مشاهده است. همچنین میتوان آن را در اعتصابات گسترده آمریکا، آلمان، بریتانیا و در اعتراضات پر دامنه و پایدار کارگران و توده ها در جنبش "جلیقه های زرد" دید.

در اوضاعی که بخشهای مختلف بورژوازی بیش از پیش برای مقابله با طبقه کارگر و کمونیسم آماده میشود و اتحادیه های کارگری سنتی در اکثر کشورها در برابر توقعات بالا و مبارزات وسیع کارگران، کمر به همدستی با بورژوازی بسته اند، ضرورت تاکید بر همبستگی انترناسیونالیستی و ایجاد ارگانهای اتحاد جهانی کارگری متناسب با اوضاع امروز جهان بیش از هر زمان عیان است. ایستادگی علیه ناسیونالیسم در سیاست دولتها و ترندهای فاشیستی خارج از دولتها مستلزم تحکیم همبستگی جهانی طبقه کارگر و بشریت تشنه رهایی و تاکید بر ضرورت و امکانپذیری و مبرمیت بنای دنیای بهتر در یک آینده سوسیالیستی در جوامع کنونی و در سطح جهان است.

در سطح دیگری از تحولات جهان امروز، نشانه های بارزتری از روند سقوط اسلام سیاسی در رویدادهای اخیر در مناطق بحرانی خاورمیانه و شمال آفریقا بروز کرده است. در سودان خیزش اعتراضی توده ای تا سقوط عمر البشیر، در لبنان خیزش گسترده سرشار از شادی و شکوه علیه تفرقه قومی مذهبی دهها ساله، جنگ داخلی و سلطه حزب الله وابسته به رژیم ایران، در عراق خیزش وسیع علیه سلطه و نفوذ رژیم ایران و دارودسته های حشد شعبی، شواهد مسلم به سرازیری افتادن اسلام سیاسی و در راس آن تروریسم رژیم اسلامی ایران و توحش اسلامی آشکارتر داعش و نظایر آنهاست.

بیانیه کنگره نهم حزب حکمتیست درباره اوضاع جهان

نهایتاً نظر به روندها و مولفه های موثر در جهان انتهای دهه دوم قرن ۲۱ میتوان و میباید بر امکانپذیری و ضرورت و مبرمیت برقراری سوسیالیسم همچون راه رهایی میلیاردها انسان از چنگ سرمایه داری تاکید کرد. تلاش کمونیستها از راه پاسخ دادن به این ضرورت مبرم با ایجاد احزاب کمونیستی کارگری انقلابی و اشاعه بدیل شورائی در سازماندهی کارگری و توده ای، عامل تعیین کننده شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی و تحقق عملی آن توسط انقلاب کارگری است.

خاورمیانه در منگنه جنگ و ویرانی

در میانه بلبشوی جهانی موجود، منطقه خاورمیانه که طی چندین دهه از سوزان ترین کانونهای بحران جهان بوده، باز هم بحران زده تر و خونبارتر شده است. به موازات جدال قدرتهای بزرگ امپریالیستی در خاورمیانه، دولتهای حاکم بر ترکیه ایران با بهره گیری از شکاف افزایشده آمریکا و روسیه، در پی داعیه تبدیل شدن به قدرت اول منطقه از تلاشهای تروریستی و جنگ افروزانه ابا نمیکند، همچنانکه از رقابت با هم گریزی ندارند. دولت عربستان متکی به سرمایه نفتی و همسو با دولتهای عربی بویژه مصر، در پی افزایش نفوذ خود در منطقه است و در این جدال قدرت بیش از چهار سال است در یمن با دارودسته های نیابتی رژیم اسلامی ایران درگیر جنگ ویرانگر است. معادله "اعراب و اسرائیل" حول مساله فلسطین در سالهای اخیر معادله محوری خاورمیانه باقی مانده و به معادله همسوئی دولتهای عرب، آمریکا و اسرائیل در مقابله با رژیم اسلامی ایران و دولت ترکیه تبدیل شده است. پروژه "معامله قرن" یک پروژه فوق ارتجاعی دولتهای آمریکا و اسرائیل در همسویی با دولتهای عرب برای تداوم و تشدید سیاست فاشیستی دولت اسرائیل در فلسطین است.

یورش نظامی دولت ترکیه به کردستان سوریه بخش خونباری از نقشه اردوغان برای گرفتن سهم بیشتر در تقسیم مجدد مناطق نفوذ و بازار خاورمیانه با بهره گیری از شکاف و اختلاف میان آمریکا و روسیه است. این تعرض دولت ترکیه با دفاع آزادیخواهان جهان از مقاومت مردم کردستان سوریه و دستاوردهایشان پاسخ گرفته است.

رژیم اسلامی ایران با دخالت تروریستی و گسترش جنگ و کشتار در خاورمیانه به طور مستقیم و یا ایجاد میلیشیاهای مذهبی وابسته، در پی کسب مناطق نفوذ و دستیابی به دریای مدیترانه است. با خیزش وسیع و بیداری روزافزون مردم منطقه بویژه در عراق و لبنان، رژیم اسلامی ایران آنچه از راه اشاعه تفرقه مذهبی و جنگ و ویرانی و سناریو سیاه به چنگ آورده است را دارد به سرعت از دست میدهد.

مساله فلسطین و مساله کرد دو معضل سیاسی دیرین و شناخته شده خاورمیانه اند. معضلاتی که راه حل فوری میطلبند و بر خلاف ابتدائی ترین موازین حقوق جهانشمول انسان، در منگنه جنگ و جدال قدرتهای جهان و منطقه حل نشده باقی مانده اند و عواقب مشقت بارشان دهها سال است بر معیشت و حیات سیاسی و مدنی دهها میلیون مردم ستمدیده سنگینی میکند. درسالهای اخیر این دو معضل سیاسی منطقه نه تنها به حل راهگشا و چاره ساز نزدیک نشده اند بلکه به حاشیه جنگ و جدالهای جاری منطقه رانده شده اند. توده های ستمدیده هر از گاهی با تعرض دولتهای ستمگر اسرائیل، ترکیه، ایران، عراق و سوریه به مصائب فراوان کشتار و ویرانی و آوارگی و محرومیت از حداقل امکانات زندگی دچار میشوند. راه حل مساله فلسطین تشکیل دولت مستقل دارای حقوق کامل سیاسی در سرزمین فلسطین بر مبنای مرزهای ۱۹۶۷ است.

بیانیه کنگره نهم حزب حکمتیست درباره اوضاع جهان

مساله کرد در هر یک از کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه مختصات سیاسی متفاوت دارد. حل عادلانه و راهگشای مساله کرد مراجعه به آراء مردم ستمدیده‌هاز راه برگزاری رفراندوم است.

آلترناتیو سوسیالیستی در قبال اوضاع کنونی جهان

ترازنامه اقتصادی و کارنامه سیاسی سرمایه داری، جز کابوس تونل بی نور و دیوار بی عبور، چشم انداز دیگری جلو بشریت نمیگذارد. انسان تشنه رهایی راهی پیش پا ندارد جز اینکه آن کابوسها را از سر راه زیستن و گام برداشتن خود بردارد. نقش طبقه کارگر، شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی و ریختن شالوده تحقق عملی آن است. نیروی محرک انسان امروز امید به امکان برچیدن سرمایه داری و اعتماد و اعتقاد به ضرورت آلترناتیوسوسیالیستی است. رهایی انسان قرن ۲۱ بی یک و دو از گذرگاه انقلاب کارگری و رهایی سوسیالیستی میگذرد. در هیچ گوشه جهان امروز انقلاب کارگری و آلترناتیو سوسیالیستی زودرس نیست.

از نظر نظام سیاسی اداره جامعه، شاهد گرایش امیدبخش کارگران به نظام شورائی در این گوشه و آن گوشه جهان مشخصا در جنبش رادیکال کارگری جاری ایران هستیم. در شرایطی که با توجه به امکانات شگرف پیشرفت تجربه و دانش بشری در جهان امروز، ماهیت مردم فریب نظام دمکراسی نیابتی پارلمانی روز به روز در انظار شهروندان هشیار تشنه آزادی آشکارتر و رسواتر میشود و از آنجا که زیر ضرب قدرتگیری راست ترین جناحهای بورژوازی، نظام دمکراسی پارلمانی بیش از پیش لگدمال و بی مصرف شده است، گرایش توده های آزادبخواه به نظام آلترناتیو شورائی همچون بدیل سازمانیابی رادیکال کارگری و توده ای و اداره شورائی جامعه، یک مولفه مثبت در شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی در جوامع امروزی است.

شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیستی در همه جوامع امروز یامکانپذیر است. در عین حال اولویت بخشیدن به تمرکز پراتیک بر حلقه های ضعیف سرمایه داری، بخشی از استراتژی جهانی قدرتگیری پرولتاریا و خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی حاکم است. سرمایه داری در ایران کنونی یکی از ضعیفترین حلقه های سرمایه داری جهان است. رژیم اسلامی سرمایه در ایران گرفتار بحرانهای مرکب و لاعلاج اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و در همان حال هدف مبارزات بیوقفه کارگران، زنان، معلمان، نسل جوان و توده های محروم اعماق جامعه است. به علاوه در اوضاع کنونی منطقه و جهان دچار بیسابقه ترین انزوا و درگیر جنگهایی بی انتهاست. نظر به این پارامترها بیاخاستن توده های اعماق جامعه ایران علیه این رژیم نقطه امید درخشانی در جهان گرفتار تاریکی و توحش سرمایه داری موجود است. حضور پرشور جنبش رادیکال کارگری که در تاریخ معاصر جامعه ایران بیسابقه است و همگام با آن، حضور شفاف و ثابت قدم جنبش کمونیسم کارگری، کمونیسم اجتماعی دارای چهار دهه سابقه و نفوذ و اعتبار، اهرم قدرتمند مبارزه قاطعانه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. سرنگونی رژیم اسلامی یکی از ملزومات تحقق انقلاب کارگری و سوسیالیسم در ایران است. امروز بیش از پیش باید تاکید کرد که در شرایط سیاسی مشخص ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی آلترناتیو سوسیالیستی با اتکا به تحرک گرایش رادیکال سوسیالیست درون طبقه کارگر و تحزب کمونیستی کارگری، بر متن انزجار عمومی و روزافزون توده های ناراضی جامعه ممکن و ضروری است.

بیانیه کنگره نهم حزب حکمتیست درباره اوضاع جهان

کنگره نهم حزب حکمتیست ضمن پافشاری مستحکم بر ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی همچون بخشی از استراتژی انترناسیونالیسم کمونیستی، محکمتر از هر زمان بر صدای شکست نخوردگان در ندای منصور حکمت تاکید میگذارد که: "جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی تبدیل میشود". ما همچون گردانی از کمونیسم کارگری جهان اعلام میداریم که پرچم رهایی سوسیالیستی و اراده و اقدام در راستای برقراری سوسیالیسم با سازماندهی انقلاب کارگری، بیگمان پرچم پرولتاریا پیشاپیش بشریت تشنه آزادی در هر جای جهان است. این پرچم را در آستانه بزرگداشت صد و پنجاهمین سال کمون پاریس، چون گرامیترین گرامیداشت تجربه کمون برمیافزاییم. ما مصمم هستیم که سقف جهان بردگی مزدی را بشکافیم تا برای جامعه انسانی قرن ۲۱ طرحی نو دراندازیم. جامعه ای بر مبنای تعاون انسانها که در آن هر کس به میزان توان در فعالیتهای و خلاقیتهای نامتناهی آن شرکت دارد و به میزان نیازش از محصولات مشترک آن برمیدارد.

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

آذر ۱۳۹۸ - نوامبر ۲۰۱۹

پیشنهاد کنندگان: فاتح شیخ و عبه دارایی

در محکومیت بندوبست احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

۲- هرگونه سازش و بند وبست از بالای سر مردم کردستان که احزاب ناسیونالیست در کردستان به بهانه ستم ملی همواره به آن مشغولند محکوم و حزب حکمتیست در مقابل آن خواهد ایستاد.

۳- رهبری کومه له (سازمان حزب کمونیست ایران) در جریان بند وبست این احزاب با جمهوری اسلامی، باتعیین و شرط شروط مذاکرات عملا این اقدام مذاکره کنندگان راتوجیه کرد. کومه له به جای افشا و طرد سیاست این جریانات، خطرات چنین توطئه هایی را علیه منافع مردم در شرایط کنونی پرده پوشی کرد.

۴- فراخوان به طبقه کارگر و مردم، به تمامی احزاب، جریانات و شخصیتهای چپ و کمونیست برای خنثی کردن این زد و بند که هنوز هم در جریان است یکی دیگر از وظایف رهبری آتی حزب حکمتیست است

پیشنهاد کنندگان: همایون گدازگر - سعید یگانه

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

قطعه‌نامه در باره اوضاع سیاسی ایران

دورنمای تحولات سیاسی، الزامات سرنگونی انقلابی و

رئوس وظایف حزب حکمتیست

۱- امروز این حُکم پایه‌ای که جمهوری اسلامی راه حل اقتصادی ندارد، نمیتواند گشایش سیاسی ایجاد کند و با فرهنگِ بخشِ اعظمِ جامعه در تناقضی خُرد کننده قرار داد، یک داده سیاسی است که جنبش ما همواره بر آن تاکید داشته است. دیگر مدتهاست که مدافعان خصوصی سازی و اقتصاد بازار در درون و بیرون حکومت، پذیرفته‌اند که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی با ادامه چهارچوبهای سیاسی-ایدئولوژیک کنونی قابل حل نیست و "تعامل سیاسی با دنیای بیرون" نیز بدون پائین کشیدن پرچم ایدئولوژیک اسلام سیاسی غیرممکن است. امروز تئوریسین های راست خصوصی سازی در ایران، در وحشت اینکه "همه چیز دارد از دست میرود"، میگویند خصوصی سازی هم راه حل نیست. لذا نه فقط بحثهایی مثل "متعارف شدن" سرمایه داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بشدت مَهجور بنظر میرسد بلکه نفس حفظِ حاکمیتِ سرمایه در ایران با همان پلاتفرم بازار آزاد دیگر اطمینان خاطر به هیچ بخش بورژوازی نمیدهد. همه اینها یعنی سرمایه داری ایران بیش از هر زمان در بُن‌بستِ لاعلاج و بُحران فروپاشی قرار دارد. به این اعتبار جنبشهای طبقاتِ دارا برای مُمانعت از پیامدهای اجتماعی بحران اقتصادی و عروج جنبش سوسیالیستی کارگران، تلاش میکنند بدون دخالت مردم و یا با حداقل دخالت کنترل شده مردم، ملزوماتِ یک دولتِ انتقالی را از درون صفوف بورژوازی ایران فراهم کنند. امری که آغاز شده و با تشدید بحران سرنگونی بیش از پیش در دستور بورژوازی قرار می‌گیرد.

۲- از نظر سیاسی، تعمیق مبارزه طبقاتی و گسترش انتقاد سوسیالیستی طبقه کارگر علیه وضع موجود، "خطر" و شبخ سوسیالیسم را به کابوسی برای کُل بورژوازی اعم از حکومتی و اپوزیسیونی بدل کرده است. قطبی شدن سیاست در ایران، از بازجو-ژورنالیست‌ها تا احزاب حکومتی مدافع پروپاقرص بازار آزاد، از مشروطه خواه و جمهوریخواه تا ناسیونالیست‌های متفرقه در اپوزیسیون را، آگاهانه علیه کمونیسم و انتقاد سوسیالیستی طبقه کارگر در یک صف واحد قرار داده است. اینها در شرایطی است که هنوز حجاب اختناق مانع از آن است که واقعیات و روندهای بنیادی جامعه منعکس گردد.

۳- سرنگونی خواهی بویژه بعد از رویدادهای دیماه ۹۶، به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده است. طبقات متخاصم اجتماعی و جنبش‌ها و احزاب سیاسی‌شان از چپ تا راست، همه و هر کدام بنوعی از سرنگونی جمهوری اسلامی یا ضرورت عبور از حاکمیت اسلامی سخن میگویند.

۴- اصلاح طلبی حکومتی و اسلامی بعنوان یک جنبش شکست خورد و پایان آن در رویدادهای دیماه با صدای بلند و شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" اعلام شد. بخش حکومتی این جنبش قبلتر زیر پرچم محافظه کاری اسلامی موسوی و روحانی رفت و امروز عمدتا زیر پرچم خامنه ای برای حفظ نظام سینه میزند. تعدادی نیز به خارج کشور آمدند و همراه با ناسیونالیسم پرو غرب کمابیش همان سیاستهای سابق را در اشکال جدیدی پیش میبرند. اگر در دوره قبل اصلاح طلبی حکومتی و مسالمت جوئی اپوزیسیون طرفدار رژیم خود را در تقابل با سرنگونی طلبی و انقلابیگری تعریف میکرد، در شرایط جدید این تقابل در کشمکش راه‌حل‌های طبقاتی برای "گذار مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی" با سرنگونی انقلابی خود را بیان میکند. بعبارت دیگر، همراه با تبدیل سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران و عروج جنبش رادیکال کارگری در صف مقدم سرنگونی خواهی، جنبشهای بورژوائی نیز سیاست خود را در قبال سرنگونی و مسئله قدرت سیاسی، با هدف حفظِ اساسِ نظم

کنونی، تغییر داده‌اند.

قطعه‌نامه در باره اوضاع سیاسی ایران

۵- رابطه جامعه با حکومت، کشمکش آزادیخواهی و برابری طلبی با اختناق و تبعیض و واپسگرایی، تقابل مردم کارگر و زحمتکش با حاکمیت ارتجاع اسلامی و سرمایه در ایران، به رابطه‌ای خصمانه‌تر و آنتاگونیزه‌تر ارتقا یافته است.

۶- حکومت اسلامی در متن تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی و فساد بی حد و حصر، بیش از هر زمان متشددتر، نامشروع‌تر، بی‌افق‌تر و ناتوان از تامین حداقل نیازهای پایه‌ای شهروندان است. در یک کلام، مؤلفه‌های اوضاع سیاسی نوید ورود جامعه ایران به یکدوره انقلابی را میدهد. یک دوره خاد کشمکش سیاسی و طبقاتی که سرنگونی جمهوری اسلامی و مسئله قدرت سیاسی در محور و در مرکز آن قرار دارد. ایندوره برای حزب و جنبش ما تعیین کننده و سرنوشت ساز است. هم پیروزی و هم شکست هر دو ممکن است. یک شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر و رهبران کارگری سازمانیافته و آگاهانه با پرچم کمونیستی در این کشمکش حضور یابد و تصویر روشنی از معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی داشته باشد. پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند پیچیده و کشدار باشد، بدون تردید نیروهای مدافع وضع موجود و مخالفان تغییرات رادیکال و ریشه ای سناریوهای مختلفی جلو صحنه خواهند آورد. بورژوازی بعنوان یک طبقه بسادگی میدان را ترک نخواهد کرد. لذا کسب هژمونی در افق، راه حل، نیروی اجتماعی و تامین یک رهبری قدرتمند سراسری کمونیستی در این جدال تعیین کننده است.

۷- خیزش توده‌ای و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور جامعه است. در این کنگره اعلام میکنیم که تحولات مهمی در راه است و جنبش و طبقه ما یک فرصت تاریخی برای پیروزی در این نبرد دورانساز دارد. حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به مثابه بخش لاینفک جنبش سوسیالیستی و شورایی طبقه کارگر در صف اول مبارزه انقلابی، همراه دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال همچون جنبش آزادی زن، جنبش معلمان و اعتراضات دانشجویی برای برابری و رفع تبعیض، همراه با کلیه انسانهای آزادیخواه و مخالف فقر و اختناق، برای سازماندهی قیام علیه حکومت استبداد و استثمار تلاش و مبارزه میکند.

۸- خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب حکمتیست در این دوران پُرتحول مُبتنی بر چند اصل بنیادی است:

الف- ما برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکنیم و یک شرط اساسی این پیروزی تاکید مُشدّد بر تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی از جنبش‌های طبقات دارا و صفوف بورژوازی است. ما و طبقه کارگر و اردوی انقلابی برای تغییر مُعادله قدرت مُستمرأ تلاش میکنیم و هر جا بتوانیم قدرت خود را با اتکا به شوراها، بریگادهای کارگری و نیروی نظامی و توده ای خود مُستقر میکنیم.

ب- در ایندوره بیش از هر زمان ضروری است که جنبش طبقه کارگر و حزب کمونیستی‌اش بمثابه یک قدرت آلترناتیو ظاهر شود. جنگ برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در مقیاس جامعه یک هدف اساسی ماست و در این مسیر جنگ بی‌امان با پوپولیسم و اپورتونیسم، با سازشکاری و "همه باهم" را وظیفه حزب و پیشروان طبقه کارگر و کمونیست ها میدانیم.

ج- شکستن هر نقطه سازشی که جنبشهای طبقات دارا در مقابل جنبش کمونیستی و شورائی طبقه کارگر قرار میدهند، یک وظیفه تعطیل‌ناپذیر و تخطی‌ناپذیر حزب ما و هر کمونیست انقلابی است.

قطعه‌نامه در باره اوضاع سیاسی ایران

د- ما به هیچ دولت بورژوائی و هیچ نوع بند و بست از بالای سر کارگران و مردم تن نمیدهیم و همراه با طبقه کارگر سوسیالیست و اردوی انقلابی، سیاست سرنگونی و درهم کوبیدن کل ماشین دولتی بورژوائی را داریم.

ه- حزب حکمتیست در مقابل جبهه‌بندی‌های جنبشهای بورژوائی، در مقابل سیاستهای آلترناتیو سازی اپوزیسیون راست، مضاف بر نقد و افشای سیاستهای ضد کارگری و ضد اجتماعی این پروژه‌ها، برای بسیج انقلابیون و سوسیالیستها حول سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و تقویت یک راه حل کارگری کمونیستی تاکید دارد.

و- حزب حکمتیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در مقابل سیاست دولتهای انتقالی رنگارنگ بورژوازی برای تشکیل "مجلس موسسان" و "مجلس ملی" و نوشتن قانون اساسی، بر تداوم انقلاب برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و تشکیل دولت شورائی مبارزه میکند.

ز- برای ما بعنوان کمونیست کارگری‌های حکمتیست، انقلاب بیوقفه یک مقوله تعیین کننده در دوره گذار انقلابی است. لذا اولاً، تلاش ما اینست که سرنگونی جمهوری اسلامی با یک پرچم صورت گیرد. ثانیاً، دولت برآمده از سرنگونی انقلابی که بناگیز دولت متشکل از قیام کنندگان، یک دولت موقت انقلابی است، وظیفه اش درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوازی، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری است. طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن کل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابه یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کل جامعه را از قید بردگی مُزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند.

۹- حزب کمونیست کارگری- حکمتیست تنها راه آزادی مردم ایران از مَشقات کنونی سرمایه داری و انقیاد و سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی را یک رهائی همه جانبه سوسیالیستی میداند. هیچ زمان مانند امروز کمونیسم به نیاز طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم جهان تبدیل نشده است. امروز در ایران، با گسترش اعتراضات کارگری و انتقاد ضد سرمایه داری طبقه کارگر به نظام موجود، شرایط بیش از هر زمان برای یک تحول سوسیالیستی آماده است و این کنگره بار دیگر اعلام میکند که حزب حکمتیست در این تحولات برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکند.

۱۰- کنگره نهم حزب حکمتیست، طبقه کارگر، کمونیست‌ها، انقلابیون و مردم آزادیخواه را به متحد شدن و مبارزه تحت پرچم سوسیالیستی و کمونیستی فرامیخواند. دنیای امروز نیازمند یک انقلاب کمونیستی کارگری است و ایران یکی از آماده‌ترین کشورها برای این پیروزی پرولتاریا در قلمرو جهانی است.

نوامبر ۲۰۱۹

پیشنهاد کنندگان: سیاوش دانشور، جمال کمانگر

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کارگری است!

۱- بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی، به آلترناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است.

۲- تظاهراتهای سراسری دیماه ۹۶ که فوران خشم مردم علیه فقر، گرانی و فساد گسترده بود، موجب تغییربالتسبه توازن قوا به نفع ادامه مبارزه کارگران و مردم عاصی از نظام سرمایه داری شد. اقتدار ماشین سرکوب رژیم اسلامی را درهم شکست و امید به سرنگونی جمهوری اسلامی را به باور عمومی جامعه تبدیل کرد. واقعیت مهم اینست، جنبش طبقه کارگر خود نیروی فعاله و سازنده شرایط خیزش توده ای امید بخش دی ماه بود. جنبش کارگری با تپش مبارزاتی خود قبل از دی ماه ۹۶، با اعتصابات و اعتراضات کارگری مداوم، زمینه ساز به میدان آمدن توده ای مردم معترض علیه فقر و بیکاری و گرانی و سیستم فاسد حاکم بود. از آن دوره بعد در اذهان مردم حق طلب و در افکار عمومی، جنبش کارگری به نیروی اول جدال سیاسی و طبقاتی جاری و به ستون محوری جنبش اعتراض توده ای و سرنگونی طلبانه تبدیل شده است.

۳- دوره جدید توانمند شدن مبارزات کارگری با گسترش اعتصاب و تجمعات اعتراضی به بخش زیادی از مراکز کارگری و مشخصا از مقطع اعتصابات بزرگ بافق و چادرملو، هپکو، آذراب، شرکت واحد تهران و حومه، نیشکر هفت و فولاد اهواز در سالهای اخیر رقم خورد. این اعتراضات، ایستادگی در مقابل تعرض همه جانبه سرمایه داران و دولت به شرایط کار و معیشت طبقه کارگر بود. مقابله آگاهانه تر و سازمانیافته تر کارگری بود، علیه تحمیل زندگی چند بار زیر خط فقر، علیه کاهش دائمی دستمزدها و دستمزدهای معوقه یکماهه تا ۲۴ ماهه و گاه بیشتر، علیه ناامنی شغلی و بیکارسازی وسیع، علیه دستگیری و بازداشت فعالین کارگری، علیه قراردادهای سفید امضا، علیه کارکرد ضدانسانی شرکتهای پیمانی و علیه عواقب بسیار مخرب خصوصی سازیها بر وضعیت طبقه کارگر. در اعتصابات و اعتراضات کارگری این دوره ابتکارات و سنتهای رادیکال در جنبش کارگری برجسته شد. اتکا به مجامع عمومی کارگری و سنت عمل مستقیم کارگری، به میدان آمدن طیف وسیعی از رهبران و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست، برقراری ارتباط آگاهانه تر بین رهبران کارگری، برجسته شدن فصل مشترکهای بیشتر مبارزات کارگری چه در خواسته ها و چه در روشهای عملی مبارزه و شکل گیری حمایتیهای مبارزاتی بین بخشهای مختلف جنبش کارگری از هم، از دستاوردهای مهم جنبش کارگری است.

۴- خصوصی سازیها و مبارزه کارگران علیه عواقب مخرب آن بر زندگی و کار کارگران یک مساله گرهی در جنبش کارگری ایران است. هر کارگر آگاه و ضد سرمایه به خوبی میداند، مالکیت خصوصی و یا دولتی سرمایه، هر دو برای کارگر یعنی استثمار و ستم و کار مزدی، یعنی

تبعیض و زدن حقوق کارگران و هر دو شیوه مالکیت دارای کارکرد ضد کارگری مشترکی هستند. اعتراض گسترده کارگران به خصوصی

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کارگری است!

شدن بخشهایی از کارخانه ها و مراکز تولیدی به معنای تایید مالکیت دولتی نیست. هدف کارگران از مبارزه با خصوصی سازیها مقابله کردن با تعرض افسار گسیخته کارفرمایان که با طرح خصوصی سازی به شیوه سبانه و سرعت زدن دستمزدها و بسیاری از مزایای کارگری، بیکارسازی وسیع و تحمیل دستمزدهای معوقه را در دستور میگذارند. کارگران با مبارزه خود تاکتیک عقب راندن کارفرمایان و تحت فشار قراردادن دولت به قبول تعهداتی در مقابل حقوق کارگران را تعقیب میکنند. تردیدی نیست اگر جریان رفرمیست و امکانگرا در درون جنبش کارگری بخواهند در این رابطه اندک توهمی را نسبت به ماهیت و کارکرد استثمارگرانه مالکیت دولتی اشاعه دهند، کارگران آگاه و سوسیالیست، چنین توهمی را افشا و خنثی خواهند کرد.

۵- جهش بزرگ در جنبش کارگری ایران با اعتصاب و اعتراض بیش از یک ماهه نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز در پایان سال ۹۷ اتفاق افتاد. آنجا که مبارزات درخشان آن دو مرکز کارگری چه در محتوا و مضمون چه در روش و قالب و شکل، با دست زدن به ابتکارات خلاقانه سطح مبارزه و توقعات کارگری را فراتر از موقعیتی بردند که تا آنزمان در جنبش کارگری جاری بود. اعتصاب و تحرک اعتراضی این دو مرکز، با اعتراض علیه بی تامینی شغلی، علیه خصوص سازی و دستمزدهای معوقه، و علیه اخراج کارگران شروع شد، اما سرعت به آن محدود نماند. بلکه کارگران و رهبران جسور کارگری در هفت تپه بی کفایتی دولت حاکم را در پاسخگویی به ابتدایی ترین خواست کارگران و عجز این سیستم حاکم را در اداره کارخانه و مراکز کار اعلام کردند. در مقابل راه حل کارگری خود "اداره شورایی" را مطرح کردند این پدیده آن جهش و گام سیاسی بلندی بود که رهبران جسور کارگری در این دو مرکز برداشتند، پوسته محدودیتهای تا آن زمان تحمیل شده بر جنبش کارگری را شکستند. از آن دوره به بعد توقعات جنبش کارگری ارتقا پیدا کرد. جنبش طبقه کارگر به عنوان نیروی صاحب آلترناتیو برای به دست گرفتن سرنوشت خود و جامعه ابراز وجود کرد. طرح ایجاد شوراها و اداره شورایی نه فقط در سطح جنبش کارگری، بلکه در میان جنبشهای اعتراضی رادیکال و در سطح جامعه به شعار مبارزاتی تبدیل شده است. به علاوه تجربه به میدان آمدن طیف وسیعی از رهبران و فعالین و آژیئاتورهای روشن بین و جسور کارگری در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز دستاورد مهم دیگری بود که دامنه آن به دیگر بخشهای جنبش کارگری گسترش پیدا کرد و تجربه میشود. دستاورد مهم دیگر این دو مرکز کارگری کشاندن اعتراضات به شهرهای شوش و اهواز، که موجب حمایت گسترده مردم از کارگران و خانواده های کارگری شریک در این اعتراضات و عجین شدن مبارزات کارگری و اعتراض توده ای با هم در مقابله با استثمار و زور و سرکوب و حاکمیت جمهوری اسلامی شد. اقدام مهم دیگر کارگران هفت تپه، تلاش جدی برای خنثی کردن اقدامات تفرقه افکنانه کارفرما و دولت بود. به ویژه هشدار آنها علیه ترفند تفرقه ملی در صفوف کارگران اعتصابی، نشانه روشن بینی و آگاهی طبقاتی بالایی بود. به علاوه دور جدید اعتصاب و اعتراضات کارگری ماههای اخیر نیشکر هفت تپه، هپکو و آذربایجان تاکید مجددی است، بر ظرفیت ها و ابتکارات مبارزاتی جدید در جنبش کارگری علیه کارفرمایان و دولت سرمایه. پافشاری بر خواست آزادی فعالین کارگری در بند و از جمله اسماعیل بخشی و دیگر دستگیر شدگان همراهش در اعتصاب دوره قبل از جانب کارگران هفت تپه، نمونه درخشان از همسرنوشتی و تعهد مشترک مبارزاتی را نشان میدهد، که نهایتا با آزادی این دستگیرشدگان به ثمر رسید. اقدام مهم دیگر، باریگاد بندی کارگران هپکو و آذربایجان در مسیر راه آهن شمال و جنوب، کشاندن اعتراضات برحقشان به سطح شهر و دیگر اقدامات میلیتانت آنها و همبستگی هر دو مرکز کارگری در تحرک اعتراضی اخیر از هم، ابتکاراتی است که ظرفیتهای قابل گسترش جنبش کارگری علیه سرمایه داران و جمهوری اسلامی را تقویت کرده است.

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترا ناتیو کارگری است!

جنبش طبقه کارگر ایران با شرایط حساس و رسالت تعیین کننده ای روبرو است. این شرایط توقعات مهمی را در مقابل جنبش کارگری و سوسیالیستی قرار میدهد که همزمان با مبارزه روزمره برای بهبود شرایط کار و زندگی در مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و خلع ید از نظم سرمایه داری به رسالت خود عمل کند. به سرانجام رساندن این رسالت در این مقطع در گرو تامین ملزوماتی است که ذیلا بر آنها تاکید میکنیم:

الف - تامین رهبری سراسری در مبارزات جاری: اکنون جنبش کارگری ایران دارای طیف وسیعی از رهبران و فعالین کارگری شناخته شده و مبارز است و این دستاورد مهمی است. همه اعتراضات کارگری تاکنونی با ابتکارات رهبران و فعالین کارگری که در صحنه حضور داشتند، ممکن شده است. با این وصف و به دلیل محدودیتهای تاکنونی که بر جنبش کارگری تحمیل شده، هنوز جنبش کارگری با خلاء رهبری سراسری روبرو است. گامهای اولیه برداشته شده در بطن مبارزات کارگری جاری، با تغییر قدم به قدم تناسب قوا و با طرح و نقشه آگاهانه رهبران کارگری رادیکال و گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر، راه فایق آمدن بر این خلاء را نشان میدهد. شکل گرفتن ارتباط بین محافل رهبران و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست، و ایجاد شبکه همگام و هم جهت رهبران کارگری مراکز کارگری مختلف با هم در سطح منطقه ای و سراسری، هم جهتی عملی مشترک در مبارزات پیش رو در راستای به وجود آمدن رهبری هم بسته و متحد منطقه ای و سراسری تحول مهمی در ابراز وجود قدرتمند جنبش کارگری خواهد بود، که لازمست با جدیت پیگیری شود.

ب- مبرمیت گسترش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای: جنبش کارگری ایران در روند مبارزات جاری خود به مجامع عمومی به عنوان ظرف اولیه سازمانیابی خود متکی بوده است. به همت و جسارت فعالین کارگری در موارد معینی اتحادیه و شورا و نهاد کارگری مستقل سازمان داده شده است. طرح "اداره شورایی" و گسترش تلاشهای مبارزاتی برای ایجاد شوراهای قدم مهمی در راستای سازمانیابی توده ای کارگری مورد نیاز جنبش کارگری است. با طرح اداره شورایی و استقبال از جنبش شورایی، جنبش کارگری و رهبران سوسیالیست کارگری بیش از پیش و هدفمند لازمست دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و ایجاد شوراهای را در مراکز و رشته های کارگری در اولویت اساسی قرار دهند. به علاوه فراتر از یک مرکز کار و رشته کارگری، در سطح منطقه ای و سراسری هم با طرح و نقشه واقعی و زمینی تلاش برای ایجاد تشکل و شورای منطقه ای و سراسری کارگران را در دستور گذاشت.

ج- به تحزب کمونیستی باید متکی شد: تحزب کمونیستی بخش لاینفک و ضروری جنبش کارگری و سوسیالیستی در جدال سیاسی و طبقاتی دایمی با بورژوازی است. حضور قابل لمس گرایش کمونیستی و سوسیالیستی در جنبش کارگری ایران واقعیت قابل اتکای طبقه ما در نبرد همه جانبه با بورژوازی است. در شرایطی که جنبش طبقه کارگر به عنوان جنبش مدعی قدرت، رسالت هدایت مبارزه و تحرک انقلابی جامعه را به عهده دارد، واضح است، به سرانجام رساندن چنین رسالتی سازمان رهبری کننده و کمونیستی جنبش طبقه کارگر را میطلبد. در جدالهای سیاسی جامعه، جنبش ها و طبقات اجتماعی از کانال احزابشان نمایندگی میشوند. طبقه کارگر هم از طریق حزب کمونیستی خود باید در همه لحظات جدالهای اجتماعی و طبقاتی و به ویژه در مقطع تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمایندگی شود. کارگران کمونیست، رهبران رادیکال و پیشرو کارگری لازمست به روشنی مبرمیت اتکا به تشکل یابی حزبی و حزبیت کمونیستی طبقه کارگر را در میان صفوف کارگران اشاعه دهند. با گرایش تحزب گریزی و دور کردن کارگران از دخالتهای سیاسی مبارزه کنند. درس مهم انقلاب ۵۷ و درسهای برگرفته از همه تحولات مهم چند دهه اخیر این واقعیت بدیهی را تاکید میکند، که جنبش طبقه کارگر بدون تحزب کمونیستی خود و حزب کمونیستی هم بدون درهم تنیدگی طبقاتی و

رهایی جامعه ایران در گرو عروج آلترناتیو کارگری است!

اجتماعی با طبقه کارگر نمیتواند آزادی و رهایی قطعی انسان را از استثمار و ستم ممکن سازند.

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند، جامعه ایران در آستانه تحولات سرنوشت سازی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی رفتنی است. دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت فرارسیده است. تحولات امروز ایران فقط بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید میکند. کنگره رهبران و فعالین کارگری رادیکال و همه کمونیستها و آزادیخواهان را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخواند.

پیشنهاد کنندگان: رضا کمانگر - رحمان حسین زاده

تقابل با آلترناتیوهای راست و بورژوائی!

۵- کنگره نهم حزب حکمتیست ضمن تاکید بر مبارزه مستمر و بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی طبقه کارگر، کمونیست ها و پیشروان رادیکال جنبشهای اجتماعی را به تقابل قاطع علیه آلترناتیوهای راست و بورژوائی فرامیخواند. تجربه انقلاب ۵۷ و جنبشهای اعتراض همگانی سالهای اخیر در خاورمیانه این واقعیت را تاکید میکند، در صف "همه با هم" طبقه کارگر و مردم آزادیخواه نمیتوانند راه حل آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود را به کرسی بنشانند. اکنون دوره ترسیم بیش از پیش تمایز، با سیاستها و روشهای جریانات راست بورژوائی و تقویت صف مستقل طبقاتی و انقلابی است. ما اعلام می کنیم در متن کشمکش و جدال افقهای سیاسی و طبقاتی جامعه ایران برای تقویت آلترناتیو سوسیالیستی مبارزه می کنیم. شاخص پیشروی برای ما و جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی در ایران افشای هر آلترناتیوی است که انتظارات و توقعات طبقه کارگر و مردم را به هر نقطه سازشی با جمهوری اسلامی و احزاب و جریانات راست و سخنگویان سرمایه سوق بدهد. کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در مقابل آلترناتیوهای بورژوائی، ناسیونالیستی و فدرالی، قاطعانه خواهد ایستاد و طبقه کارگر و مردم ایران را به "نه" قاطع به سلطه رژیم اسلامی و کل استثمار و استبداد و ارتجاع و تبعیض فرا می خواند.

نوامبر ۲۰۱۹

پیشنهاد دهندگان:

ناصر مرادی - صالح سرداری

نه به حکومت ضد زن

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست،

سرنگونی انقلابی حکومت آپارتاید جنسی، گام اول تحقق برابری زن و مرد!

آپارتاید جنسی یک ستون محکم استقرار و استمرار جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی است؛ بعلاوه، در دهه های اخیر حجاب اسلامی به بنر این نظام و جنبش بدل شده است. جنبش آزادی زن در ایران از بدو به قدرت رسیدن رژیم اسلامی علیه این دو رکن بپا خاسته و یک آن ساکت ننشسته است. جنبش آزادی زن در ایران به الگویی برای مبارزین حق زن در منطقه بدل شده و آوازه آن در دنیا پژواک یافته است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر آزادی بی قید و شرط و برابری کامل زن و مرد در تمام شئون اجتماعی پای میفشارد. مساله آزادی و برابری زنان و مبارزه برای رفع تبعیض، یک امر قائم به ذات کمونیسم کارگری است. ما راسا و قاطعانه برای بهبود حقوق زنان و نفی بنیادهای تبعیض و نابرابری تلاش میکنیم. جنبش ما در این مبارزه افق، سیاست و شعارهای خود را دارد؛ نیاز ندارد و نباید به دنبال جنبش عمومی حق زن بدل شود و یا به آن خدمات دهد. تلاش برای مقابله با نقطه سازش هایی که جنبش های ملی - اسلامی یا ناسیونالیسم پرو غرب در مقابل جنبش آزادی زن قرار می دهند و مبارزه برای جهش از دست اندازهایی که جنبش های فوق الذکر در برابر جنبش آزادی زن ایجاد می کنند، یک امر مهم و غیر قابل گذشت برای ما به مثابه جنبش کمونیسم کارگری بوده است.

عروج توده ای جنبش سرنگونی طی دو سال اخیر به روشنی تحلیل های ما را با اثبات رسانده است. جنبش ملی - اسلامی که بیش از دو دهه تلاش نموده امر رهایی زنان را به انحراف بکشد و خواست ها و آرمان های آنرا تقلیل دهد، از دیماه ۹۶ با تمام قوا کوشیده است که جنبش آزادی زن را و آرمان آزادیخواهی و برابری طلبی آنرا به مساله لغو "حجاب اجباری" تقلیل دهد. هراس از انقلاب کارگری و عروج کمونیسم دو جنبش دست راستی و ضد انقلابی ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب را در کنار هم و در یک جبهه متحد قرار داده است. غلم کردن چهره های مرتجع ملی اسلامی در قامت "رهبر زنان" یکی از تاکتیک هایی است که این دو جنبش در همکاری نزدیک و تنگاتنگ با قدرتهای غربی دنبال می کنند.

از ابتدای خیزش دیماه زنان بسیاری در مقابله با حجاب اسلامی بازداشت و اسیر شده اند. بعلاوه، حضور فعال و رزمنده زنان در جنبش های اعتراضی و سرنگونی یک امر قابل توجه است. این حضور یکبار دیگر این نظر ما را که موقعیت دوفاکتوی زنان در جامعه در تضاد عمیق با موقعیت رسمی شان قرار دارد، باثبات می رساند. بار دیگر دانشگاهها به سنگر دفاع از برابری زن و مرد بدل شده اند. جنبش رادیکال و چپ دانشجویی علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، این دو ستون اصلی جنبش اسلامی و ابزار حیاتی جمهوری اسلامی برای سرکوب جامعه، قدرتمندتر از گذشته به مقابله برخاسته اند. این مبارزات هدفمند و خستگی ناپذیر به خوبی وجود گرایشات مختلف درون جنبش حق زن را آشکار می کند.

دنیا بر وجود یک جنبش عظیم آزادی زن در ایران واقف است و از اینرو دولت های غربی و رسانه های نوکر کوشیده اند که تصویر و روایتی محدود و وارونه از این جنبش ارائه دهند. اگر در ۱۳۵۷ دولت های امپریالیستی به سرکردگی آمریکا برای مقابله با خطر کمونیسم جنبش اسلامی را بعنوان آلترناتیو رژیم سرکوب سلطنت علم کردند و در ایران فرود آوردند؛ اکنون با ارائه یک تصویر و روایت ناقص و دروغین از آزادی زن و

سرنگونی انقلابی حکومت آپارتاید جنسی، گام اول تحقق برابری زن و مرد!

جنبش ضد اسلامی و علم کردن چهره ها و جریانات شناخته شده ضد مردمی و ضد آزادی می کوشند که جنبش سرگونی طلبانه مردم را به بیراهه بکشانند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست با تمام قوا می کوشد تا این تصاویر و روایت های ناقص و دروغین را افشاء و طرد کند. ما بعنوان جزء لاینفک جنبش آزادیخواهی و ماکزیمالیست زنان اجازه نخواهیم داد که به زنان و به جامعه کم فروشی شود. ما برای آزادی بی قید و شرط و برابری کامل زنان مبارزه می کنیم و این تعهد خود را در تئوری و عمل به اثبات رسانده ایم.

جامعه اکنون برای عروج یک جنبش آزادیخواه، ماکزیمالیست و رادیکال آزادی زن کاملاً آماده است. فعالین جنبش آزادی زن در کنار جنبش رادیکال کارگری، جنبش نسل جوان و مردم زحمتکش برای ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه قرار گرفته اند و برای یک دنیای بهتر مبارزه می کنند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در کنار و همراه این جنبش قرار داد و برای یک انقلاب کارگری که هر نوع نابرابری چه حقوقی و چه اقتصادی را ریشه کن خواهد کرد، مبارزه میکند و فعالین جنبش آزادی زن را به فشرده کردن صفوف خود، به استکام اتحاد خویش و به تمرکز بر افق رهایی کارگری فرا می خواند.

در شرایط خطیر کنونی امر سازماندهی مهمترین مساله ای است که فعالین باید بر آن تمرکز کرده و برای آن تلاش کنند. بدون یک جنبش سازمانیافته و متحد امر رهایی امکان ناپذیر است. نقش فعالین رادیکال سوسیالیست در این مقطع بسیار تعیین کننده است و وظیفه ای بسیار خطیر و سنگین بر عهده دارند. باید کوشید تا اولاً با سازش هایی که جنبش های راست و مرتجع در مقابلمان قرار می دهند قاطعانه مبارزه کنیم؛ ثانياً برای ارائه یک تصویر و روایت روشن از افق رهایی بکوشیم و بالاخره باید دست تک تک عناصر و محافل و کانونهای فعال این جنبش را در دست یکدیگر قرار دهیم و یک صف مستحکم و رادیکال قدرتمند برای دستیابی به آزادی و برابری کامل زنان را شکل دهیم. درون جنبش های اجتماعی دیگر باید این افق رهایی را تثبیت کنیم. جنبش آزادی زن در ایران یک ستون محکم مبارزه برای یک جامعه آزاد، برابر و مرفه سوسیالیستی است و سرنگونی انقلابی حکومت آپارتاید جنسی گام اول برای تحقق برابری زن و مرد است.

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزه بیوقفه و رادیکال زنان علیه حجاب اسلامی و حکومت آپارتاید جنسی درود میفرستد و زنان و مردان آزادیخواه را به متشکل شدن و گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری، نظامی که در تداوم تبعیض و نابرابری براساس جنسیت ذینفع است، فرامیخواند!

پیشنهاد کنندگان: آذر ماجدی - سیاوش دانشور

آزادی کامل و بی قید و شرط شکل کارگران!

بیانیه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تقابل با آلترناتیوهای راست و بورژوائی!

۱- رژیم اسلامی ایران با بحران همه جانبه و فزاینده ای در دوره کنونی روبرو است. فلج اقتصادی، بن بست سیاسی و بحران فزاینده حکومتی همراه بانزوای بین المللی و منطقه ای، موقعیت رژیم اسلامی ایران را به طور کم سابقه ای تضعیف کرده است.

۲- با تشدید بحران و بدنبال ناتوانی رژیم اسلامی و شکست اصلاح طلبان بعد از اعتراضات وسیع و گسترده مردم در دیماه ۹۶ و در متن بی اعتباری و نفرت مردم از جمهوری اسلامی و کلیه جناح های حکومتی، اکنون بخشهای مختلف اپوزیسیون راست، احزاب و جریانات متعلق به ناسیونالیسم پرو غربی و عظمت طلب، شامل طرفداران نظام سابق و بخشی از جمهوریخواهان و ناسیونالیستهای قومی و فدرالیست چپ، جنبش ملی اسلامی و دوقر دادی های سابق با طرح های محتوم به شکستی مانند فراندنم، کنگره ملی، کنفرانس مدیریت گذار، بیانیه های ۱۴ نفره، شورای مدیریت گذار و اتحاد برای دموکراسی و حقوق بشر و غیره با هدف ضدیت با مبارزات رادیکال و میلیتانت کارگران و مردم آزادیخواه، با تاکید بر گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی و برای حفظ ارکان نظام سرمایه داری و ماشین سرکوب و ارگانهای مافوق مردم، تلاش می کنند مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی را از هر گونه عمل مستقیم انقلابی باز دارند و خود را بعنوان آلترناتیو و جانشین جمهوری اسلامی مطرح کنند.

چنین طرح و پروژهای در کردستان نیز از طرف احزاب و جریانات ناسیونالیست و طرفدار فدرالیسم در جریان است. بخشی از این جریانات از طرفی برای شریک شدن و سهمی شدن در قدرت به قدرتهای جهانی و موثلفین منطقه ای در همکاری و ائتلاف با جریانات راست و بورژوائی چشم دوخته اند و از طرفی دیگر با ایجاد "مرکز همکاری نیروهای کرد" مشغول بند و بست و مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی هستند.

۳- با وجود اینکه جریانات و احزاب مختلف راست و بورژوائی تمام تلاش خود را برای جلب توجه و حمایت حکومتهای امپریالیستی و دولتهای مرتجع منطقه بکار گرفته اند، اما تاکنون تمام طرح ها و نقشه های اپوزیسیون راست و آلترناتیوهای بورژوائی در قالبهای "رژیم چینج"، فراندنم و انتخابات آزاد، اصلاحات، گذار مسالمت آمیز" فدرالیسم و غیره یکی بعد از دیگری شکست خورده است و به قالبی مورد اعتنا و پذیرفتنی تبدیل نشده است.

۴- در مقابل آلترناتیو راست و طرح و برنامه نیروهای اپوزیسیون بورژوائی، آلترناتیو دیگری موجود است. آلترناتیو کارگری، آلترناتیو سوسیالیستی. حزب حکمتیست همراه با جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، نیروها و جریانات چپ و کمونیست، برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ایجاد یک آلترناتیو سوسیالیستی تلاش میکند. ما اعلام می کنیم در مقابل افق و راه حل های بورژوائی، تقویت افق و راه حل کارگری، برافراشتن پرچم آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر با هدف سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و انهدام ماشین سرکوب دولتی بورژوائی تنها راه ممکن و مطمئن برای رهائی از شر جمهوری اسلامی است. آلترناتیو سوسیالیستی متضمن وسیعترین آزادیهای سیاسی و مبنای پیشروی برای انقلاب کارگری و ایجاد جامعه ای سوسیالیستی و استقرار حاکمیت شورائی است. در آلترناتیو سوسیالیستی نه سود و نه انباشت سرمایه، بلکه آزادی، برابری، رفاه و رفع نیازمندیهای همگان اساس فعالیت اقتصادی جامعه را تشکیل میدهد. جامعه ای که سهم اکثریت تولید کنندگان فقر و فلاکت و محرومیت نیست. بلکه رفاه و برابری اقتصادی یک رکن پایه ای فعالیت

جامعه است.

بیانیه

نظام سرمایه داری محیط زیست انسانها را در آستانه نابودی قرار داده است!

بحران محیط زیستی نتیجه مستقیم عملکرد نظام سرمایه داری و رقابت سرمایه داران برای تصاحب منابع طبیعی و سود بیشتر است.

تحول سریع تکنولوژی و صنعت و اختیار و انحصار استفاده و بکارگیری آن از طرف اقلیت صاحب سرمایه و قدرت، رشد سرسام آور و بکارگیری ماشین و آلودگی های ناشی از آن در ابعاد وسیع، تاثیرات بسیار مخربی بر زندگی انسان و طبیعت بجا گذاشته است. امروز مشاهده واقعی در دنیای دو قطبی کار و سرمایه چنین است؛ در یک طرف صاحبان سرمایه و قدرت که مشامشان تنها بوی پول و سود را در هر پدیده ای جستجو می کند و در یک طرف میلیاردها انسان کارکن که عملکرد نظام سرمایه داری، یا خانه و زندگی آنها را به ویرانه تبدیل کرده و یا نفس بقای آنها را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است.

افزایش گازهای گلخانه یی، نابودی جنگلها، افزایش سطح دریاها خطراتی جدی برای ساکنین کره زمین بوجود آورده است. حاکمیت سرمایه بر تولید و منابع طبیعی جهان و حرص و طمع افسارگسیخته بورژوازی در جهت سودجویی بیشتر، بیش از هر زمان خسارات ناشی از آن را متوجه محیط زندگی بشر کرده است. این اوضاع محصول دور طبیعی گرمایش و سرمایه زمین نیست، بلکه محصول تخریب نظام حاکم کنونی بر جهان است. صنایع آمریکا و چین به تنهایی و بدرجه ای دیگر کشورهای سرمایه داری در اروپا و دیگر نقاط جهان، تاثیرات فراوانی بر روی آلودگی هوا و افزایش گازهای گلخانه ای داشته است. مسئله ای که از کنفرانس کیوتو تا امروز لاینحل مانده و این سیر تخریب آگاهانه همچنان ادامه دارد. امروز جمعیت فقرزده کشورهای تحت سلطه قریبانبیان خاموش زباله گردی و بازیابی فلزات و مواد بیماری زاى مورد نیاز کارخانه های تولیدی در اروپا و امریکا و توسعه و گسترش تکنولوژی در این جوامع هستند.

امروز ساکنین دنیا و مشخصا طبقه کارگر در سطح جهان، هم با فقر شدید و هم با نابودی محیط زیست توسط نظام کنونی روبرو هستند. بحران زیست-محیطی در چهارچوب نظام سرمایه داری میتواند کنترل و قابل حل باشد اما ایجاد یک محیط زیست ایمن و شرایطی که فعالیت اقتصادی انسانها تناقضی با تخریب مستمر محیط زیست نداشته باشد، در چهارچوب این نظام غیر ممکن است.

اعتراض میلیونی جوانان و نسل جدید به تخریب محیط زیست بیانگر جدی تر شدن بحران محیط زیستی در کره خاکی است. بدنبال اعتصاب "گرتا نونبرگ" (دانش آموز جوان سوئدی) موجی از اعتراض نوجوانان به تخریب محیط زیست با ترک مدارس در روزهای جمعه در سراسر دنیا، علیه نابودی کره زمین شکل گرفته است. سرمایه داری امروز اما این اعتراضات را که پایه واقعی و اجتماعی دارند، به کردیورهای سازمان ملل هدایت میکند ولی به کمترین تعهدات خویش در این زمینه پایبند نیست. شورانگیز بودن این اعتراضات و هدف درست آن، اما بطور واقعی

نظام سرمایه داری محیط زیست انسانها را در آستانه نابودی قرار داده است!

آنچه که دلیل اصلی و پایه ای انهدام محیط زیست است هنوز مورد هدف قرار نگرفته است. نقش صاحبان قدرت و سرمایه هنوز بطور خاص در این اعتراضات برجسته نیست. هنوز خوشبینی تغییر وضع موجود توسط عاملین اصلی آن در این اعتراضات بچشم میخورد. در این میان احزاب سبز هم اعلام میکنند مسئله اصلی آنها بحران محیط زیست است، آنها اعلام میکنند امروز در بحران زیست محیطی فقیر و غنی به یک اندازه در مخاطره هستند. میگویند جمعیت کره زمین رشد بسیار بالا و ناموزونی دارد و منابع کافی برای همه وجود ندارد. احزاب سبز بعنوان احزابی بورژوائی، راه حلی برای بحران محیط زیست ندارند. سیاست احزاب سبز که طبیعت را بر انسانهایی که در آن زندگی میکنند ترجیح میدهد و خراشی به عملکرد نظم طبقاتی و عملکرد آن نمیزند، پشت سکه دیدگاههایی است که بحث در باره محیط زیست را فرعی میدانند. این دو دیدگاه از موضع کمونیسم و طبقه کارگر ارتجاعی اند چون به مسئله اساسی و بلافصل کنترل بحران کنونی تا چه رسد به حل آن و نفی تناقض انسان و طبیعت توجهی ندارند.

ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه یک مورد خطیر از موقعیت هشداردهنده محیط زیست است. جنبش اعتراضی علیه وضعیت خطیر محیط زیست در ایران در حال گسترش میباشد و حکومت اسلامی با سرکوب و پرونده سازی و در دفاع از منافع کارفرماها با فعالین این جنبش روبرو میشود.

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری حکمیتست ضمن تاکید بر این اصل که تا حاکمیت سرمایه و تولید برای سود دهی از بین نرود نمیتوان روند تخریب طبیعت و ساختار اکوسیستم زمین را به طور برگشت ناپذیر قطع متوقف نمود، در عین حال به هر تلاش واقعی از پائین برای محدود کردن این تخریبات و حفاظت از محیط زیست ارجح مینهد. حزب کمونیست کارگری-حکمیتست برخورداری از یک محیط کار و یک محیط زیست ایمن و سالم را حق بدیهی و پایه ای شهروندان میداند و از جنبش هایی که تلاش میکنند خود آگاهی نسبت به محیط زیست و عواقب آلودگی هوا و طبیعت را بالا ببرند و ایجاد یک محیط زیست سالم و رفع تناقض انسان با طبیعت را امری ضروری میدانند، پشتیبانی میکند و در تقویت و گسترش آنها و مرتبط ساختن آنها به مبارزات جاری طبقه کارگر تلاش میورزد.

پیشنهاد دهندگان. پروین کابلی - ملکه عزتی

قرار

در محکومیت بندوبست احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی

ماه‌های گذشته جامعه کردستان شاهد بر ملا شدن بند و بست احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی بود. چنین امری اگرچه جزو سنت همیشگی این احزاب و در طول ۴۰ سال گذشته و بخشی از سیاستهای آشکار و پنهان آنها بوده است، اما در اوضاع سیاسی حاضر در ایران و کردستان و بر متن کشمکش حاد جامعه علیه جمهوری اسلامی، تلاش برای زد و بند اخیر این احزاب به حق با موجی از اعتراض و تنفر در جامعه کردستان و ایران روبرو شد.

در شرایطی که بخصوص در طی دو سال گذشته خواست سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در دستور هر اعتراض بزرگ و کوچک توده های معترض قرار گرفته است، چرخش این احزاب بسوی جمهوری اسلامی نه تنها سازش طلبی، بلکه توطئهای در جهت مقابله با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و کمک به بقای رژیم است که ۴۰ سال است مردم کردستان و هر صدای اعتراضی در آن را باقصاص تمام سرکوب کرده است.

جمهوری اسلامی در شرایط بن بست اقتصادی و انزوای بین المللی و بخصوص به میدان آمدن توده های مردم برای برچیدن حاکمیت استثمارگرانه، ارتجاعی و سرکوبگرانه خود، با این ترفند و کمک طلبیدن از احزاب ناسیونالیست در کردستان به خیال خود می خواهد انفجار اعتراضی قابل انتظار در تحولات پیش رو در کردستان را به این وسیله خنثی کند.

از طرف دیگر احزاب ناسیونالیسم کرد با ناکام ماندن از اتکا به آمریکا و غرب و به بازی گرفته نشدن از جانب دولت های مرتجع منطقه و همچنین برای غلبه بر سردرگمی و تشنگی که به آن دچارند، به استراتژی همیشگی شریک شدن در قدرت سیاسی با دولت مرکزی روی آورده اند. سیاستی که در کردستان ایران به افشای بیشتر این جریانات منجر شده است.

جامعه کردستان ایران حیات خلوط احزاب ناسیونالیست کرد نیست. چهل سال گذشته جنبش کمونیستی و کارگری جبهه ای از انسان های عدالتخواه و سوسیالیست، رهبر مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و همچنین افشاگر سازشکاری و بند و بست احزاب ناسیونالیست در کردستان بوده و در رسوایی اخیر این احزاب هم ساکت ننشستند.

کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از رهبری آینده حزب می خواهد با تکیه بر وبا کمک همین صف خودآگاه جنبش سوسیالیستی در کردستان و خارج از کردستان برای خنثی کردن چنین توطئه هایی اقدامات لازم را در دستور بگذارد و در این رابطه مقرر می دارد:

۱- در شرایط سیاسی کنونی هرگونه مذاکره علنی و پنهان، مشروط و غیر مشروط با جمهوری اسلامی محکوم، و حزب خود را موظف به افشا و مقابله با آن می داند.

